آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: نثر اللآلی (ترجمه)

مؤلف متن: فضل بن حسن طبرسی مشهدی

شارح .... مترجم: نامعلوم

تاریخ تحریر .... نوع خط: نسخ و نستعلیق تعداد سطر: ۱۲ [illegible]

جزء کتب: اخبار زبان: فارسی عدد اوراق: ۱۳

طول: ۲۲ عرض: ۱۵ شماره عمومی: ۲۴۶۲۸

وقفی / خریداری: اهدائی [illegible] تاریخ: اسفند ۱۳۷۶

ملاحظات ....

علیه و آله و سلم

نبیئا بالفارسیة

قال نعم یقول الله تعالی

چون کم ناید مشت ستمکار جز آنکه بیازردم

الا ایها الصبح ... یحیی الی من ... فؤادی ومهجتی

وقل یا وحید الدهر ... عن حریق ... دموعی ...

فلیس بقلبی غیر حبک مقصد لقا ... مقصود ... وصلک ...

نگیرد ... حکایت لعل ... ادا کردم

... قاصد ... از با صبا ...

... که از صلاة آن لب ...

... شکنیش ... زیر ... سو صفید

دقیقها ... در سواد او ... چو ... شب روشن ...

... قلم ... عشق ... که ... قلم ...

فلک ... که ... صدا ... زبان

رباعی

هم ... او ... کوش ... گفتها ... گوش

از شور ترانه و ... شعر ... زبان گرفت و هم ... گوش

... صحبت ...

میان زاهد و رند حالتی دارم ... که ... ز خاک ...

[illegible]

قال النبی صلی الله علیه وآله

[illegible]

سأل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

عن ميكائيل هل يقول الله شيئاً بالفارسية

قال نعم يقول الله تعالى

چون کنم با این مشت ستمکار جز آنکه بیامرزم

از الفقر دیلمی

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

قال امير المؤمنين وامام المتقين ويعسوب الدين اسد الله الغالب

علي ابن ابي طالب عليه الصلوة والسلام والتحية والاكرام

احسن الى المسيء تسده

سروری خواهی نکوی با بدان کن ای پسر
تا نباغ کامرانی چینی نو اع ثمر

اداء الدين من الدين

در ادای دین ودوام انکس که او غافل بود
از طریق دین وملت بیگمان نا اهل بود

اخفاء الشدائد من المروة

وقت راحت چون زدی گل کشتها با شیخ وشاب
از مروت بود اندر حال شدت اضطراب

افضل الزهد اخفاؤه

هیچ دانی کیست فاضلتر ز جمع زاهدان
انکه پوشد زهد خود از چشمهای مردمان

استراحة النفس في اليأس

کف نفس از آرزوها راحتست ای بو عجب
این مثل نشنیده یا الیاس احدی الراحتین

ادب عيالك ينفعهم

هر که آموزد بفرزند وعیال خود ادب
تا ازان منفعت یابند شادی وطرب

ايمان المرء يعرف بايمانه

مومن کامل چو پرهیزد ز سوگند دروغ

باب الالف

اخوان هذا الزمان جواسيس العيوب

این برادر خواندگان کابنای دور اند وزمان
جمله جاسوسان عیب اند ای پسر پیر وجوان

اخوك من واساك في الشدة

تا نگوئی هر برادر خوانده نیکو بود
هر که در سختی ترا یاری کند نیك او بود

اخوك من واساك في النصب لا من ساواك في النسب

با تو هر کس کو مواسا کرد در حال وصب
او بود یار و برادر نی مساوی در نسب

ادب المرء خير من ذهبه

زیور مرد خرد بر ور بود فضل وهنر
مرد را یك جوهر بهتر که صد گنجینه زر

اظهار الغني من الشكر

چون خداوندت توانگر ساخت از لطف عمیم
شکر آن نعمت بود اظهار الطاف کریم

بشاشة الوجه عطية ثانية

هر چه بخشی ببر و بیشان عطا در خور است
ور بروی خوش دهی از خود عطای دیگر است

بع الدنيا بالاخرة تربح

مال دنیا صرف کن از بهر زاد آخرت
کین خریداری دهد سود فزاوان آخرت

بلاء الانسان من اللسان

آدمی با آنکه لاف از معانی وبیان
از زبان افتد مدام اندر بلاها از زبان

بكاء المرء من خشية الله قرة عينيه

چشم عالم بین هر دو گر بریدان ترس خدا
دیده حق دیده او دم بدم سبز ضیا

بركة المال في اداء الزكوة

ای توانگر چاره مال ودرم دان باشدت زکوة
چون جنینا تش ره دگیر دفن و نی طیبات

بر ساك لا تبطله بالمنة وقال

گر کهی صادر شود از تو نکوی عادلا
تا نگردانی بمنت باطل آن لطف وعطا

بر الوالدين سلف

شد حقوق والدین اندر حق فرزند دین
نیکی فرزند باشد حق دین والدین

١٦

حسب الاستطاعة والبس شعار الاخلاص ودثاره واقطع في
الطاعة ليل العمر ونهاره وجاهد النفس اللوامة والامارة واحذر
نارا وقودها الناس والحجارة ٥

روز یکشنبه تاریخ بیست و پنجم شهر شعبان المعظم [illegible]

لبعضهم

جميع قوى الدنيا سوى القوة التي
تبوء ها دارو الآء دنخشى

واحرى بان يزهى نخشى بامره
اذا حل في اسد الشرى نخع الشرى

[illegible]

[illegible]